

نقش راویان زیدی در اسناد و محتوای روایات نشانه‌های ظهور تا قرن پنجم هجری

مسلم کامیاب^۱

چکیده

با بررسی منابع امامی در پنج قرن ابتدایی، حضور راویان غیرامامی، از جمله، «زیدیه» امری انکار ناپذیر است. با توجه به حضور این فرقه در اسناد روایات نشانه‌های ظهور و زمینه‌های تاریخی جعل و تحریف توسط فرقه‌های غیرامامی؛ این پرسش‌ها مطرح می‌شود: راویان زیدی حاضر در این حوزه چه کسانی هستند؛ روایات آنان از حیث سند و محتوا چگونه قابل ارزیابی است؛ آیا می‌توان برای این فرقه در تحریف یا جعل نشانه‌های ظهور نقشی قائل شد و اساسا نقش اعتقادی زیدیه در مهدویت چگونه است؟ این پژوهش، ضمن برشماری روایات نشانه‌های ظهور در متون معتبر امامیه به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی راویان و روایات مهدوی این فرقه پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد، تنها احمد بن محمد بن سعید ابن عقده کوفی در اسناد این روایات حضور دارد و نقش وی بیش‌تر انتقال میراث حدیثی شیعه به دوره‌های بعدی بوده است. مقایسه محتوایی روایات او، حکایت از همسانی آن‌ها با سایر روایات نشانه‌های راویان امامی دارد. با توجه به جایگاه والای وی در نقل روایات و توثیق او توسط دانشمندان شیعی، می‌توان گفت که گرایش زیدی وی در نقل و انتقال میراث حدیثی تأثیری نداشته است. افزون بر این، نشان داده شد که آموزه‌های اعتقادی زیدیه در مهدویت به ویژه نشانه‌های ظهور دخالتی آشکار نداشته‌اند.

واژگان کلیدی: مهدویت، نشانه‌های ظهور، زیدیه، احمد بن محمد بن سعید ابن عقده کوفی، قرن پنجم هجری.

۱. استادیار گروه مهدویت پژوهی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

۱. مقدمه

در حوزه مهدویت، موضوعات متنوعی مطرح هستند که نشانه‌های ظهور از برجسته‌ترین و محوری‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود. این نشانه‌ها، افزون بر نقشی کلیدی در فرایند تحقق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همواره از جذابیت‌های چشم‌گیر پژوهشی و اعتقادی برخوردار بوده‌اند؛ چنان‌که با بسامدی انبوه در منابع حدیثی بازتاب یافته‌اند؛ تا آنجا که در متون نخستین، به سختی می‌توان کتابی یافت که به موضوع مهدویت پرداخته؛ اما بخشی از آن به این نشانه‌ها اختصاص نیافته باشد.

درمیان روایات نشانه‌های ظهور، گروه‌هایی از محدثان حضور دارند که صرفاً به شیعه امامی محدود نمی‌شوند، بلکه راویانی از فرقه‌های غیر امامی نیز در اسناد این روایات به چشم می‌خورند. از جمله مهم‌ترین گروه‌های غیر امامی حاضر در این حوزه، «فرقه زیدیه» است. از طرفی دیگر، از دیرباز، روایات مربوط به نشانه‌های ظهور، همواره آماج دخل و تصرف، جعل و تحریف از سوی مدعیان دروغین و فرقه‌های غیرامامی و حتی حاکمان سیاسی دوران عصر معصوم بوده است (فقهی زاده و صادقی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۵-۱۴۶). این واقعیت، ضرورت بازخوانی روایات نشانه‌های ظهور در این حوزه را دوچندان می‌سازد. از این‌رو، فرقه زیدیه به‌عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار غیرامامی، می‌تواند مورد پرسش‌های زیر قرار گیرد:

چه افرادی از فرقه زیدیه در نشانه‌های ظهور حضور دارند؟ نوع روایات آن‌ها از جنبه‌های سندی و محتوایی چگونه قابل ارزیابی است؟ آیا اعتقادات فرقه‌ای می‌تواند در جعل یا تحریف نشانه‌های ظهور نقشی داشته باشد؟

این پژوهش تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی، پس از استخراج روایات مرتبط با «نشانه‌های ظهور» در منابع حدیثی امامیه تا قرن پنجم هجری، به سوالات پیش گفته پاسخ دهد.

۲. روش پژوهش

در گام نخست، پس از استقصای کامل روایات مربوط به نشانه‌های ظهور در منابع حدیثی امامیه از سده نخست تا پنجم هجری (رک: ادامه نوشتار)؛ روایات منقول از محدثان زیدی از

سایر احادیث غیر زیدی تفکیک می‌شوند. این مجموعه روایی، سپس در دو محور اسناد و متون مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در حوزه اسناد، با هدف تبیین کمّ و کیف نقل و انتقال میراث حدیثی، شبکه ارتباطی راویان توصیف و تحلیل می‌گردد. ضمناً در بررسی‌های سندی، غایت کار، داوری کلی درباره صحت و سقم همه راویان یک حدیث نیست، بلکه تأکید بر شناسایی راویان زیدی و واکاوی جایگاه ایشان در زنجیره نقل است. در گام بعدی، روایات زیدی تحلیل محتوایی می‌شوند. برای نیل به این هدف، این روایات با میراث حدیثی شیعه مقایسه می‌شوند تا آشکار شود که آیا باورهای فرقه‌ای در دخل و تصرف یا جعل نشانه‌های ظهور نقشی داشته است یا خیر.

دلیل انتخاب روایات در منابع امامیه تا قرن پنجم هجری، آن است که مهم‌ترین و اصیل‌ترین روایات در این منابع تا این قرن گردآوری شده و منابع متأخر در باب نشانه‌ها، وامدار احادیث این دوره هستند.

۳. پیشینه شناسی

درباره نشانه‌های ظهور کارهای عمومی فراوانی انجام شده است. برخی از پژوهش‌ها ضمن بازشماری نشانه‌های ظهور، با رویکرد تحلیلی به این بحث اشاره دارند. کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور»، اثر مصطفی صادقی (صادقی، ۱۳۸۵)، از اولین آثار مرتبط است. در این نوشتار مولف تلاش کرده است بین برخی از نشانه‌های ظهور و پیشامدهای تاریخی پیوند برقرار کند و ساختگی بودن برخی از آنان را نشان دهد.

نصرت الله آیتی، در اثری دیگر با نام «تاملی در نشانه‌های حتمی ظهور» (آیتی، ۱۳۹۰)؛ با بررسی سندی و محتوایی، به تحلیل نشانه‌ها پرداخته است. این اثر به بررسی چهار نشانی سفیانی، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف بیدا اهتمام دارد و در پایان، بدین نتیجه رسیده است که با وجود ضعف سندی برخی از روایات، ولی با توجه به فراوانی مضمون، می‌توان آنان را پذیرفت.

آیتی در نوشته‌ای دیگر، به تحلیل و بررسی روایات رایج سود (آیتی، ۱۳۹۹) پرداخته است. در این اثر، به بررسی این روایات در منابع فریقین اشاره کرده و در ادامه به سوء استفاده‌های



جریان‌های انحرافی شیعی و غیر شیعی پرداخته است.

از دیگر نوشته‌ها کتاب خدامراد سلیمیان با نام «بررسی تحلیلی روایات نشانه‌های ظهور» است (سلیمیان، ۱۳۹۸). در این کاوش، گونه‌های روایات نشانه‌ها، مورد بررسی و نقد منبعی، استنادی و محتوایی قرار گرفته‌اند. دستاورد بررسی‌های این کتاب، پس از بازنمایی ارزش منبع و سند برخی روایات نشانه‌های حتمی ظهور، بی‌پایگی پاره‌ای از این روایات را روشن کرده است؛ با این بیان که با توجه به جذابیت مضمون نشانه‌ها سخنانی در این باره از بنیان جعل و یا سخنانی دستخوش دگرگونی‌هایی شده است.

در این زمینه می‌توان مقالاتی را عنوان کرد: سعیده سادات موسوی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشانه‌های ظهور با تأکید بر فرقه واقفه» (موسوی، ۱۳۹۸)، با رویکرد تاریخی و از روش بررسی سند و متن روایات، به روایاتی که اختلاف بنی‌عباس را به عنوان نشانه ظهور معرفی می‌کند؛ پرداخته است؛ و بدین نتیجه می‌رسد که این دست روایات برساخته جریان واقفیه است. بی‌بی زینب حسینی و همکاران وی در پژوهشی با عنوان «تحلیل تاریخی روایات علائم ظهور» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ به بررسی روایات سید حسنی پرداخته و با تحلیل خود، آنان را جعل فرقه غالیان همچون حسین بن حمدان خصیبی می‌دانند.

در آثار پیشین، به جز مقاله موسوی و حسینی که به فرقه واقفیه و غلات پرداخته است؛ تمامی روایات در ظرفی واحد ریخته شده و صرفاً به اعتبارسنجی رجالی فردی، مانند ضعف یا وثاقت یک راوی بسنده شده است؛ حال آن‌که در روش پیش‌رو، تأکید بر راویان زیدی است و در کنار آن، میان روایات صحیح‌السند امامی با روایات فرقه زیدیه مقایسه‌ای نظام‌مند شکل گرفته است. افزون بر این، در پژوهش‌های قبلی به این استدلال که زیدیه به مثابه یک فرقه، هرگز دارای نظام اعتقادی منسجم و مستقلاً درباره «نشانه‌های ظهور» نبوده است؛ اشاره‌ای نشده است. در حالی که در اثر حاضر، مستندات این مدعا ارائه خواهد شد.

از این‌رو، این نوشتار با دقت نظر در تمامی منابع اصیل و بررسی سلسله اسناد زیدی، می‌کوشد تا روایات این فرقه را از حیث محتوا و سند واکاوی کند و نیز نشان دهد که این روایات تا چه حد بر شکل‌دهی یا گسترش نشانه‌های ظهور در میان فرقه‌های انحرافی تأثیر نهاده‌اند، یا برعکس، در این زمینه اساساً تأثیری نداشته‌اند.

۴. امامیه

در این پژوهش، «امامیه»، به مذهب جعفری اثنا عشری اطلاق می‌شود که با باورهای همچون عصمت امامان، نص الهی بر امامت، وجوب طاعت آنان و حجت بودن امام در هر زمان؛ از دیگر فرقه‌ها متمایز می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۰۷). امامیه امامان را در دوازده تن منحصر دانسته و پس از وفات امام یازدهم (۲۶۰ق)، عصر غیبت آغاز می‌گردد. در این دوران، امام دوازدهم، به گونه‌ای نهان از انظار، به تدبیر امت می‌پردازد و روزی با فراهم شدن شرایط ظهور، جهان را از عدل پر می‌کند (پاکتچی، ۱۳۸۰: ج ۱۰، ص ۱۶۱). در مقابل، گروه‌هایی که به این امامان اعتقاد ندارند یا در تطبیق آنان دچار خطا شده‌اند؛ غیرامامی خوانده می‌شوند که در این پژوهش، زیدیه و دیگر فرقه‌های همسان را در بر می‌گیرد.

۵. بررسی اجمالی فرقه زیدیه

زیدیه، به زید بن علی (۷۵-۱۲۲ ق)، منسوب و گروهی هستند که امامت وی را پس از امام علی بن الحسین علیه السلام باور دارند. زید در محضر پدر و برادرش، حضرت باقر علیه السلام، دانش آموخته بود و در حدیث، فقه و قرائت، دانشی فراخور داشت. او همچنین از عامر بن واثله (واثله)، از صحابه، و شمار دیگری از تابعین، روایت نقل کرده است. زید در پی برخوردهای تحقیرآمیزی که سران اموی با او روا داشتند، به خروش آمد و جرعه انقلاب و قیامش زده شد. آن گاه در رویارویی با یوسف بن عمر ثقفی به شهادت رسید. جسدش را از قبر برکشیدند؛ سرش را جدا کردند و برای هشام بن عبدالملک فرستادند. پیکر او تا زمان مرگ هشام در ربیع الآخر ۱۲۵ هجری بر دار باقی ماند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۶: ص ۵۴).

پس از زید بن علی، پسرش یحیی بن زید (۹۸-۱۲۶ ق)، به عنوان دومین امام زیدیان، امامت را بر عهده گرفت و در پایان سال ۱۲۵ هجری یا به روایتی در اوایل ۱۲۶ هجری، کشته شد. با کشته شدن یحیی، زیدیان به ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن حسن، مشهور به «نَفْس زُکَّیَّه» (۹۳-۱۴۵ ق) پیوستند. منابع زیدی، او را در شمار امامان خود آورده‌اند. قیام نفس زکیه در مدینه و در ۲۸ جمادی الثانی روی داد و او در چهاردهم رمضان به شهادت رسید. از این پس،



زیدیه همواره در حال قیام‌های پیاپی بود تا آن‌که به انشعابات گوناگونی تقسیم شد.

بر پایه برخی منابع، زیدیان نخستین، به سه فرقه اصلی تقسیم می‌شدند: بُتریه، منسوب به کثیر بن اسماعیل نَوَّاء (معروف به اَبْتَر) و نیز کسانی چون حسن بن صالح بن حَی (اشعری، ۱۴۰۰: ص ۶۸)؛ جارودیه، منسوب به ابوالمنذر زیاد بن ابی‌الجارود (اشعری، ۱۴۰۰: ص ۵۷)؛ و سلیمانیه یا جریریه، منسوب به سلیمان بن جریر زُرقی (اشعری، ۱۴۰۰: ص ۵۷).

۶. راویان زیدی در نشانه‌های ظهور

براساس گزارش‌های موجود در منابع رجالی امامیه، شمار راویان منسوب به فرقه زیدیه به بیش از بیست تن می‌رسد که در میان آنان، گروهی با توثیق صریح و روشن مورد تأیید قرار گرفته‌اند و دسته‌ای دیگر به‌عنوان راویان ضعیف ارزیابی شده‌اند (رک: نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۹۴، ۳۰۴، ۴۴۴؛ طوسی، بی‌تا: ص ۲۰۳، ۳۲۷، ۵۴۵).

برخی از این راویان زیدی، در منابع روایی امامیه و به‌ویژه در طرق روایات مهدوی حضوری چشمگیر دارند؛ از جمله ابوالجارود زیاد بن منذر (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۲۹، ۲۳ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۳، ۶۷۰) و یحیی بن سالم (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۴). با این حال، در خصوص روایات نشانه‌های ظهور، اثری از احادیث این دو و دیگر راویان زیدی در منابع دیده نمی‌شود. بلکه تنها راوی زیدی که در این حوزه حضور دارد و روایاتی از او نقل شده؛ احمد بن محمد بن سعید است.

۷. احمد بن محمد بن سعید در روایات نشانه‌ها

ابوالعباس احمد بن محمد، معروف به «ابن عقده کوفی» از محدثان شناخته شده کوفه به شمار می‌رود. وی به داشتن حافظه قوی و ضبط حدیث مشهور است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۹۴). بنا بر گزارشی، او یکصد و بیست هزار حدیث در حافظه داشته است (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۴۰۹). منابع رجالی متقدم او را زیدی جارودی می‌دانند که تا آخر عمر بر همین عقیده مانده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۹۴ و طوسی، بی‌تا: ص ۶۹). دانشمندان امامی همواره با احترام و ستایش از وی یاد کرده‌اند. ابوغالب زراری هنگام یاد کرد وی می‌گوید: «او مشهور است به

این که حدیث بسیار می‌داند» (ابو غالب زراری، ۱۳۶۹: ص ۲۹). نجاشی بعد از توصیف وی می‌گوید: «اصحاب ما به سبب اختلاط او با ایشان و بزرگی منزلت و نیز وثاقت و امانت داری‌اش از او یاد می‌کنند» (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۹۴). شیخ طوسی هم می‌نویسد: «وثاقت، جلالت و گستردگی حفظ ابن عقده مشهورتر از آن است که درباره آن سخن گفته شود» (طوسی، بی‌تا: ص ۶۹). با توجه گزارش‌های نجاشی و شیخ طوسی، اندیشمندان امامیه، این راوی زیدی را به دلیل ارتباط علمی گسترده با امامیان در زمره محدثان خود قرار داده‌اند و این نشان از رویکرد تعامل گرایانه علمی در قرون نخستین دارد.

نعمانی در کتاب الغیبه خود که عمده روایات مهدوی را از او نقل کرده، آورده است: احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی راوی بی است که هیچ يك از محدثان، در صحت روایت و رجال شناختی او، خدشه‌ای وارد نکرده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵).

در میان امامیان برای ابن عقده بالغ بر بیست کتاب ذکر شده است؛ مانند: کتاب التاریخ، کتاب السنن، کتاب من روی عن أمير المؤمنين (علیه السلام) و مسنده، کتاب من روی عن الحسن و الحسين (علیهما السلام)، کتاب من روی عن علی بن الحسین (علیه السلام) و أخباره، کتاب من روی عن أبي جعفر محمد بن علی (علیه السلام) و أخباره، کتاب من روی عن زید بن علی (علیه السلام) و مسنده و کتاب الرجال (طوسی، بی‌تا: ص ۶۸).

بزرگانی از محدثان مانند شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۲، ۱۲۵، ۱۲۹ و ۲۱۰)؛ شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۰ و ۳۴) و شیخ طوسی در منابع حدیثی خود از او روایت نقل کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۲۶، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۵۳ و...). در کتب اربعه، ۷۵ روایت از او نقل شده است. ۶۵ روایت وی در التهذیب شیخ طوسی قرار دارد. منابع دیگر، به ویژه الغیبه نعمانی و برخی از امالی‌ها روایات فراوانی از او ذکر کرده‌اند.

برخی منابع اهل سنت اتهامات و نقدهایی درباره او گفته‌اند: مانند تخلیط در احادیث، دورغ بستن به استادان کوفی، ساختن برخی طرق حدیثی (فرجامی، ۱۳۹۳: ص ۳۴۲). بر اساس نشانه‌ها و قراینی که در خود روایات ابن عقده و شیوخ استناد دهی وی دیده می‌شود نشان از اشتباهات و سهل انگاری‌های او در نقل به چشم می‌آید و نمی‌توان تمامی این اتهامات را رد کرد (همان، ص ۳۴۷-۳۵۸).



۸. نشانه‌های ظهور در روایات احمد بن محمد بن سعید

روایات ابن عقده را می‌توان در دو سطح کلان مورد دقت قرار داد: سطح اسناد که به ارزیابی رجالی و واکاوی طرق نقل روایات راوی معطوف است، و سطح محتوا که تحلیل متن، بررسی دلالی و مقایسه با سایر منابع معتبر را شامل می‌شود. چنین رویکردی، زمینه‌ساز داوری منصفانه‌تر درباره جایگاه این راوی و احادیث او در نظام معرفتی مهدویت خواهد بود.

۸-۱. تحلیل منبع شناسی روایات ابن عقده

در موضوع مهدویت، روایات مرتبط با نشانه‌های ظهور، بر پایه دو معیار اساسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند: نخست، امامی بودن منبع؛ دوم، پذیرش عمومی انتساب نسخه به مؤلف. بر این اساس، آثاری همچون تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (م ۳۰۷ق)، الهدایة الکبری، تألیف حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۳۴ق)، و شرح الأخبار قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) همچنین مصباح الشریعه، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام و اصول سته عشر، از دایره بررسی خارج شدند؛ چه آن‌که سه اثر نخست، در میراث امامی ریشه نداشته و در سه اثر دیگر، در صحت انتساب نسخه به مؤلف، تردید جدی وجود دارد.

با لحاظ این نکته، همه منابع عمومی حدیثی و نیز تألیفات تخصصی مهدوی، به دقت بررسی شدند و روایات نشانه‌ها، نه فقط در ابواب ویژه نشانه‌ها، بلکه در دیگر بخش‌های کتاب‌ها نیز پی‌جویی گردیدند.

کهن‌ترین منبعی که به نقل نشانه‌های ظهور پرداخته، کتاب سلیم بن قیس هلالی است. در این اثر، از قیام سفیانی و حرکت او سخن رفته که سرانجام در سرزمین پیدا فرو می‌رود (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷۷۵). پس از آن، برقی در المحاسن (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۶۶)؛ علی بن ابراهیم در تفسیر خود (قمی، ۱۴۰۴: ص ۱۱۸، ۲۰۵ و ۳۲۰)؛ حمیری در قرب الإسناد (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۱۲۳)؛ کلینی در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۷ و ج ۸، ص ۲۶۴-۲۶۵، ۲۷۴، ۳۱۰، ۳۳۱) و شیخ مفید در الإرشاد (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۷۱، ۳۷۴-۳۷۶)؛ به نشانه‌های ظهور اشاره کرده‌اند.

با این حال، از آثار یاد شده مهم‌تر، کتاب‌های اختصاصی مهدوی‌اند که در ابواب گوناگون، به



تفصیل به نشانه‌های ظهور پرداخته‌اند. نعمانی در کتاب الغیبة، نزدیک به هشتاد روایت در این زمینه گرد آورده است. در باب هجدهم، روایات سفیانی و در دیگر ابواب، روایات ندای آسمانی، یمانی، خسف پیدا، کشته شدن نفس زکیه و دیگر نشانه‌ها به چشم می‌خورد (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۰-۳۲۰)؛ شیخ صدوق در کمال الدین (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۱، ۳۲۸، ۳۴۲ و ج ۲، ص ۵۱۶، ۶۵۰، ۶۵۲) و شیخ طوسی در کتاب الغیبة (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۵۰-۴۵۳ و ۴۵۴-۴۵۳) نیز به کرات به نشانه‌های حتمی و غیرحتمی پرداخته‌اند.

۸-۲. بررسی اسناد

بر پایه گزارش مختصری که گذشت و پس از بررسی جامع همه منابع مرتبط با نشانه‌های ظهور؛ باید گفت که روایت ابن عقده، تنها در کتاب الغیبة نعمانی یافت می‌شود و در هیچ منبع دیگری نیامده است. در این کتاب، از این راوی بالغ بر بیست روایت به پنج نشانی حتمی: سفیانی، صیحه آسمانی، نفس زکیه، خسف پیدا و یمانی اشاره شده است. وی گزارش‌های خویش را از محضر استادانی از هر دو گروه امامی و غیر امامی تنظیم کرده است. شماری از ایشان، خود صاحب آثار و تألیفات مستقل هستند.

ابن عقده بخشی از روایات مربوط به نشانه‌های ظهور را، به ویژه آنچه به سفیانی مرتبط است، با عبارت «من کتابه» از کتاب هفت محدث نقل کرده است. این انتقال روایی یا در دوران حیات مؤلفان و به صورت مستقیم صورت گرفته، یا از آن رو که ابن عقده به نسخه نویسی و تحدیث اشتغال داشته و بر پایه اجازه‌ای که در اختیار داشته، روایات را ثبت کرده است. به عنوان نمونه، در اسناد نشانه‌ها چنین آمده است: «وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ابْنُ عُقْدَةَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنُ شَيْبَانَ مِنْ كِتَابِهِ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۶۶). این گزارش گواه آن است که ابن عقده در سال ۲۷۳ هجری، مستقیماً از کتاب یحیی بن زکریا، حدیث را نقل کرده است. در ادامه هفت محدث که ابن عقده از آن‌ها روایت نقل کرده می‌آید:

۱. علی بن الحسن بن فضال است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۲، ۲۶۶، ۲۷۸، ۲۸۳، ۳۰۰،



۳۰۴، ۳۰۹ و ۳۱۷): وی دارای تألیفاتی از جمله «کتاب الغیبه» و «کتاب الملاحم» (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۵۷). که احتمالاً منبع نقل این دسته از روایات بوده‌اند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که این روایات از منابع فطحی توسط ابن عقده نقل شده‌اند.

۲. محمد بن مفضل بن ابراهیم بن قیس است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۲ و ۲۶۶). این راوی در منابع رجالی توثیق شده و صاحب آثاری همچون «کتاب التقیه» و «کتاب مجالس الائمه» (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۴۰). نجاشی، ابن عقده را راوی و ناقل کتاب التقیه معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۴۰).

۳. یحیی بن زکریا بن شیبان (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۸): وی راوی موثق و صاحب «کتاب الفضائل» است و ابن عقده عهده‌دار نقل میراث حدیثی او بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۴۴۲).

۴. قاسم بن محمد بن الحسن بن حازم (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۱): این راوی از روایان مجهول است؛ اما روایات او به طور مشترک به عبدالله بن جبلة می‌رسد و احتمال آن که از این راوی واقفی گرفته باشد، وجود دارد (رک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۳، ۱۵۸، ۱۷۴، ۲۰۵، ۲۲۹ و).

۵. محمد بن سالم بن عبدالرحمن (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۱): این راوی نیز در زمره راویان مجهول قرار دارد.

۶. حمید بن زیاد (همان، ص ۹۹)، وی از راویان واقفی مذهب است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۱۳۲).

۷. احمد بن یوسف بن یعقوب (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۳)، این راوی گرچه مجهول است؛ تمامی روایات خود را از طریق اسماعیل بن مهران، از حسن بن علی بن ابی حمزه نقل کرده است (همان، ص ۵۴، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۰ و). از این رو، به نظر می‌رسد منبع اصلی این آثار، حسن بن علی بن ابی حمزه باشد.

از سوی دیگر، ابن عقده پاره‌ای از روایات نشانه‌های ظهور را از مشایخ خود، بدون آن که از تعبیر «کتابه» استفاده کند، نقل کرده است؛ از جمله ابوسلیمان احمد بن هوده، احمد بن یوسف

بن یعقوب و احمد بن محمد دینوری. اگر چه برای ابوسلیمان آثاری ثبت شده است؛ توثیق صریحی درباره او در منابع رجالی وجود ندارد (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۴۰۷). دو تن دیگر، یعنی احمد بن یوسف بن یعقوب و احمد بن محمد دینوری، اساساً در زمره راویان مجهول و مهمل قرار می‌گیرند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷). بر اساس برخی پژوهش‌های جدید که توسط محمد جواد شبیری زنجانی صورت پذیرفته، منابع روایی برخی از این راویان به دست آمده است (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ص ۱۸۷).

بر اساس آنچه از روایات ابن عقده گذشت، وی بخشی از روایات خویش را از محدثان فطحی مذهب و بخشی دیگر را از راویان واقفی اخذ کرده است. شایان توجه است که آنچه در این میان باقی می‌ماند، مهجوریت و ناشناختگی برخی از صاحبان آثار، در عصر حاضر است. همان طور که ملاحظه شد، انحصار انتقال میراث روایی ابن عقده در میان امامیان به نعمانی است. صاحبان تالیف روایات مهدوی همزمان با نعمانی یا بعد از وی، از این مسیر روایی پیروی نکرده‌اند، یا دست‌کم، این طریق، نزد ایشان مقبولیت و شهرتی نیافته است.

به عنوان نمونه، شیخ صدوق در آثار متعدد خود، همچون خصال (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۵۵، ۲۱۷، ۴۲۶، ۵۲۷، و...)؛ توحید (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۱۶۲، ۱۶۳، ۲۲۹)؛ عیون اخبار الرضا (صدوق، ۱۳۷۸: ص ۱۲۵، ۱۲۹، و...)؛ معانی الاخبار (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۱۳، ۱۰۲، و...)؛ احادیث بسیاری از ابن عقده گزارش کرده است؛ اما در هیچ کدام طریق روایی شبیه الغیبه نعمانی دیده نمی‌شود؛ یا شیخ طوسی در کتاب تهذیب به نقل روایات ابن عقده پرداخته است. وی بخشی از روایات این راوی را از مسیری روشن پی‌گرفته؛ چنان‌که از مجموع ۶۵ روایت منقول در تهذیب، ۴۲ مورد از طریق علی بن الحسن بن فضال به ابن عقده رسیده است.

بدین ترتیب، می‌توان این داد و ستد حدیثی در موضوع نشانه‌های ظهور را حلقه‌ای منحصر به فرد و محدود به نعمانی و ابن عقده تلقی کرد. با پذیرش این نقش که ابن عقده پل انتقال میراث پیشینیان به نعمانی بوده است، باید او را صاحب اسنادی دانست که از غیرمعارف‌ترین و منفردترین مسیرهای روایی بهره برده است.



۸-۳-۱. سفیانی

عمده روایات ابن عقده به معرفی سفیانی، به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور اختصاص دارد و در روایات فراوانی که از وی نقل شده، بر اصل سفیانی و خروج حتمی او به عنوان نشانه ظهور تأکید شده است، مانند «يُظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۲)؛ «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۲)؛ «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتُمِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷) و «مِنَ الْمُخْتُمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰). ابن عقده پس از آن به نقل جزئیات جریان سفیانی پرداخته و در روایتی به سیمای او اشاره کرده است:

«السُّفْيَانِيُّ أَحْمَرُ أَشَقَرُّ أَرْقَى؛ سفیانی چهره‌ای سرخ، مویی بور و چشمانی کبود (آبی- خاکستری) دارد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۶). در گزارش دیگری به هم‌زمانی سفیانی با سایر جریان‌ها پرداخته است: «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نِظَامُ كَنْظَامِ الْخُرَزِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز واقع خواهد شد، با نظمی همچون رشته‌ای از مهره‌ها که هر یک به دنبال دیگری می‌آید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۵). همچنین درباره زمان خروج او آورده است: «خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ؛ خروج او در ماه رجب است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰) و درباره مناطق تحت تصرف سفیانی آورده است: «فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخُمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَلَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا؛ چون شهرهای پنجگانه را به تصرف درآورد، نه ماه فرمانروایی خواهد کرد و یک روز هم بر آن افزوده نمی‌گردد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰).

۸-۳-۲. صیحه آسمانی

نشانه دیگری که در روایات ابن عقده به آن پرداخته شده، «صیحه آسمانی» است و این مجموعه روایی همچون روایات مربوط به سفیانی، بر محتوم بودن این نشانه تأکید دارد؛ چنان‌که از امام معصوم نقل کرده است: «الْبَدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمُخْتُمِ؛ ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی پیش از قیام قائم است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷). ابن عقده در ادامه به جزئیات این ندا پرداخته و آورده است که این ندا به وسیله جبرئیل انجام می‌شود و در این باره

از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَهِيَ صَيْحَةُ جَبْرِئِيلَ؛ قائم از آن صدایی که می شنود، خروج می کند و آن صیحه جبرئیل است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹۰). همچنین محتوای این ندا به نام قائم و نام پدرش اختصاص دارد؛ چنان که در روایت آمده است: «فَقَالَ مُنَادٍ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷، ۲۵۸ و ۲۹۰). ابن عقده گزارش می کند که مردم با شنیدن این صدا بیدار می شوند و حتی دختران در پس پرده ها آن را می شنوند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۰). نیز «يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؛ اهل مشرق و مغرب آن را خواهند شنید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷). در روایت دیگری، محتوای ندا، اعلام نام صاحب امر و بیان حقانیت او و شیعیانش است؛ به این صورت که منادی آسمان ندا می دهد: «آگاه باشید! حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست» و پس از این ندای آسمانی، شیطان نیز برای ایجاد تردید، ندا می دهد که حق با عثمان بن عفان و شیعیان اوست؛ چنان که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام در این باره چنین نقل کرده است: «أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَشِيعَتِهِ، قَالَ فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعِدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ وَشِيعَتِهِ فَإِنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۰). ابن عقده نقل می کند که این حادثه سبب می شود تا مؤمنان استوار بمانند و کسانی که در دل هایشان بیماری و عداوت اهل بیت علیهم السلام است، به تردید دچار شوند و منادی اول را سحر بخوانند و این ندا چنان اثری بر مردم می گذارد که گویی پرنده ای بر سرشان نشسته است و گردن هایشان برای آن خاضع می شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۰). در برخی روایات ابن عقده آمده است که صیحه آسمانی در ماه رمضان رخ می دهد و خوابیده را بیدار و هراسان می کند و دختران را از پرده بیرون می آورد (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹۰). همچنین پس از این ندا، قائم در پشت مقام کعبه حاضر و به او گفته می شود، ندا به نام تو داده شد، پس چه منتظری؟ سپس با او بیعت می شود و این بیعت، بیعتی همراه با اجبار، اما بدون گناه است. ابن عقده در ادامه گزارش می دهد که با وجود این نشانه های آشکار، باز هم گروهی با قائم می جنگند؛ زیرا شیطان آنان را رها نمی کند و آنان را فریب می دهد، همان گونه که در روز عقبه برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صدایی ساخت و نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره چنین آمده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدَعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَوْمَ الْعَقَبَةِ؛ همان شیطان آنان را رها



نمی‌کند تا جایی که ندا کند؛ چنان که برای رسول خدا ﷺ در روز عقبه ندا کرد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۵).

تنها در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «تَوَقَّعُوا الصَّوْتَ يَأْتِيكُمْ بَعْتُهُ مِنْ قَبْلِ دَمَشَقٍ فِيهِ لَكُمْ فَرَجٌ عَظِيمٌ؛ به انتظار صدایی باشید که ناگهان از سوی دمشق به شما خواهد رسید در آن صدا، شما را فرجی بزرگ خواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۹). این روایت با آن که در آن عبارت صوت به کار رفته است؛ احتمال می‌رود اساسا با امر ظهور نباشد و مراد از فرج همان گشایش مرتبط عمومی است.

۸-۳-۳. خسف پیدا

سومین نشانه‌ای که در گزارش ابن عقده به آن پرداخته شده، «خسف پیدا» است که از حیث محتوم بودن، همانند دو نشانه پیشین به شمار می‌رود. ابن عقده از امام معصوم چنین نقل کرده است: «إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ... وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ؛ همانا پیشاپیش این امر پنج نشانه است و از جمله آن‌ها خسف پیدا (فرو رفتن زمین در منطقه پیدا) می‌باشد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹۰) و نیز در روایت دیگری که محمد بن صامت از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است که راوی به حضرت عرض کرد: پیش از وقوع این امر نشانه‌ای نیست؟ حضرت فرمود: چرا، از جمله «وَ الْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ فرو رفتن زمین در منطقه پیدا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۲). ابن عقده در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «مِنَ الْمُحْتَوَمِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ.... خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ؛ از امور حتمی که بناچار باید قبل از قیام قائم باشد، خروج سفیانی و فرو رفتن زمین در صحرا و کشته شدن نفس زکیه و آواز دهنده از آسمان است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۴). در عبارتی دیگر از همان امام چنین نقل شده است: «وَ خَسْفُ الْبَيْدَاءِ مِنَ الْمُحْتَوَمِ؛ خسف پیدا از امور حتمی است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷). همچنین ابن عقده گزارش‌های دیگری با مضامین متفاوت در این زمینه نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۵ و ۲۷۰). وی در ادامه به جزئیات این جریان پرداخته و در روایتی آورده است که امام پس از نقل وقایعی که سفیانی و سپاهیان او انجام می‌دهند؛ می‌فرماید:

فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ



فَيَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَ هُمْ مِنْ كَلْبٍ؛ فرمانده سپاه سفیانی در پیدا فرود می‌آید، پس آواز دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که ای پیدا این قوم را نابود کن! پس زمین آنان را فرو می‌برد و جز سه نفر از آن‌ها نجات نمی‌یابند که خداوند صورت‌هایشان را به پشت برمی‌گرداند و آنان از قبیله کلب خواهند بود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۹).

۸-۳-۴. قتل نفس زکیه

چهارمین نشانه‌ای که در گزارش ابن عقده به آن پرداخته شده، «قتل نفس زکیه» است و در روایات وی این واقعه همچون نشانه‌های پیشین، حتمی دانسته شده است؛ چنان‌که از امام صادق (ع) نقل کرده است: «مِنَ الْمُحْتَمِ... وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ؛ از امور حتمی، کشته شدن نفس زکیه است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۴ و ۲۵۷) و نیز در روایت دیگری که عبایه بن ربیع از امیرالمؤمنین (ع) آورده است، حضرت بدون این‌که تعبیر «محتوم» را به کار ببرند، فرموده‌اند: «قَتْلُ نَفْسٍ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ عَنْ قَوْمٍ مِنْ قُرَيْشٍ؛ کشته شدن نفسی حرام در روزی حرام در شهری حرام به دست گروهی از قریش» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۸).

۸-۳-۵. خروج یمانی

پنجمین و آخرین نشانه حتمی که در گزارش ابن عقده به آن پرداخته شده، «خروج یمانی» است. در روایتی طولانی که به اتفاقات دوران ظهور اشاره دارد، درباره یمانی چنین آمده است:

وَلَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السِّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَضَ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ فَنَنْفَعُ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ؛ در میان پرچم‌ها، هیچ پرچمی هدایت بخش‌تر از پرچم یمانی نیست؛ چراکه او به سوی صاحب شما (امام قائم) دعوت می‌کند و هنگامی که یمانی خروج کند، فروش سلاح را بر مردم و هر مسلمانی حرام می‌گرداند و چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است و هیچ مسلمانی را حلال نیست که با آن پرچم مخالفت ورزد و هر کس چنین کند، از اهل آتش است؛ زیرا او به حق و راه راست دعوت می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۶).



۸-۳-۶. نشانه‌های دیگر

در کتاب کتاب الغیبه نعمانی، نشانه‌های دیگری نیز از این راوی نقل شده است که هرچند در زمره نشانه‌های حتمی پنج‌گانه قرار نمی‌گیرند؛ با همان سبک و سیاق گزارش شده‌اند. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است که ناگزیر پیش از آمدن قائم عَلَيْهِ السَّلَام سالی فرا می‌رسد که مردم در آن سال به گرسنگی دچار می‌شوند و ترسی سخت از کشتار و کاهشی در اموال و کوتاهی عمرها و کمبود محصولات، دامانشان را می‌گیرد (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۱). نیز روایت دیگری از همان حضرت نقل کرده که حضرت در آن فرمود:

وقتی که عباسیان از چوب‌های منبر مروانیان بالا روند، حکومت بنی عباس ترقی و رونق پیدا می‌کند نیز فرمود: «پدرم، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، به من فرمود: حتماً آتشی از آذربایجان شعله‌ور می‌شود که چیزی در برابرش نمی‌تواند ایستادگی کند، پس وقتی چنین شد، در خانه‌های خود بمانید و تا وقتی که ما آرام هستیم، شما هم آرام باشید و وقتی که حرکت‌کننده ما به فعالیت پرداخت، به سوی او بشتابید؛ حتی اگر مجبور باشید روی زانوهای خود حرکت کنید و به خدا سوگند، گویی هم اکنون او را می‌بینم که در میان رکن و مقام، از مردم برای فرمانی جدید که بر عرب بسیار گران است، بیعت می‌گیرد.

و نیز فرمود: «وای بر عرب از شری که به زودی فرا می‌رسد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۳). با توجه به این‌که این دسته از روایات و نمونه‌های مشابه آن‌ها، با همان سبک و سیاق نشانه‌های حتمی گزارش شده‌اند؛ از تکرار و اشاره به تک تک آن‌ها خودداری می‌کنیم و در ادامه به بررسی کلی و نتیجه‌گیری نهایی بسنده خواهیم کرد.

۸-۴. تحلیل محتوایی روایات

با بررسی شبکه‌ای کامل روایات منقول از ابن عقده درباره نشانه‌های ظهور، به ویژه سفیانی و مقایسه آن با روایات دیگر محدثان در منابع مختلف؛ تشابه مضمونی روایات با یکدیگر آشکار می‌شود. به عنوان نمونه، در نقل روایات سفیانی این نشانه به عنوان نشانه حتمی ظهور دانسته شد که در روایات امامی همین تعبیر وجود دارد، از جمله در روایاتی «حَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ... وَالسُّفْيَانِيُّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۶۴)، یا «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتُمِّ»



(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۰)، که در آن‌ها سفیانی، به عنوان یکی از نشانه‌های پیش از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است؛ یا درباره سیمای او، همانند روایات ابن عقده از امامیه آمده است: «إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ لَرَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ؛ اگر سفیانی را ببینی، بدطینت‌ترین مردم را دیده‌ای؛ بور، سرخ‌چهره و چشمانی کبود (آبی-خاکستری) دارد» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۱). این دو روایت، توصیفی هماهنگ و روشنی از چهره زشت و خبیث سفیانی ارائه می‌کنند که به عنوان یکی از نشانه‌های حتمی‌ظهور، قابل توجه است. درباره حضور او با جریان‌های دیگر نیز اشاره شده است:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَّاسَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛ خراسانی و سفیانی و یمانی در یک ماه و یک سال و یک روز (با مهدی موعود) خواهند بود و پرچم هیچ‌کدام مانند یمانی نیست که مردم را به سوی حق راهنمایی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۶).

همچنین درباره خروج سفیانی با سندی شیعی تأکید شده است: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوَمِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۰) که این دو روایت نیز همسو بر تعیین زمان این رویداد در ماه رجب تأکید دارند.

با بررسی کامل‌تر و مقایسه با دیگر منابع شیعی، اشتراکات مضمونی روایات ابن عقده با سایر محدثان امامیه به روشنی قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی در روایتی صحیح و شیعی از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «إِنَّ السُّفْيَانِيَّ يَمْلِكُ بَعْدَ ظُهُورِهِ عَلَى الْكُورِ الْخُمْسِ حَمَلُ امْرَأَةٍ؛ سفیانی بعد از ظهورش، بر پنج مملکت، به مدت حمل زن (نه ماه) مالک می‌شود و سلطنت می‌کند» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۹). درباره سایر نشانه‌های حتمی نیز می‌توان همین نقاط مشترک را ملاحظه کرد که برای جلوگیری از تطویل مطلب بدان اشاره نمی‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۳۹۷: ج ۸، ص ۲۶۴ و ۳۱۰؛ حمیری، ۱۴۱۳: ص ۳۷۴ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۱، ج ۲، ص ۶۵۰ و ۶۵۱) و اساساً، ابن عقده روایاتی خارج از چارچوب روایات شیعی نقل نکرده است. این تشابه در نقل‌ها نشان می‌دهد که ابن عقده تنها ناقل این میراث و واسطه‌ای در نقل بوده است. البته در برخی روایات در جزئیات این نشانه‌ها اختلافاتی به چشم می‌آید که راویان دیگر مانند واقفی‌ها می‌توانند نقش داشته باشند و در جای خود مورد بررسی قرار خواهد



گرفت.

۵-۸. نگرش زیدیه به مسئله نشانه‌های ظهور

گرچه محتوای روایات ابن عقده با میراث حدیث شیعی همگن است؛ در اینجا برای درک بهتر به مبانی اعتقادی زیدیه اشاره می‌شود. آنان در باب نظام امامت ظاهر، به امامت حسنین و فرزندان آنان که قیام کنند، باور داشتند و می‌توان گفت نظام امامت آنان بر اساس قیام و جهاد شکل گرفته است. آنان معتقدند که زید بر آن بود که هر فرد فاطمی شجاع، عالم و زاهد؛ چه از فرزندان امام حسن علیه السلام چه از فرزندان امام حسین علیه السلام که مردم را فراخواند و برای امر به معروف و نهی از منکر در راه خدا با شمشیر قیام کند؛ شایسته امامت است (نوبختی، بی‌تا: ص ۵۷-۵۸).

اما اختلافات آنان به عنوان نمونه در فرقه بتریه مبنی بر جواز امامت مفضول (نوبختی، بی‌تا: ص ۵۶) و خرده‌گیری بر عثمان دیده می‌شود (کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۹۹). برتری امام علی بر شیخین (نوبختی، بی‌تا: ص ۵۸) و بدگویی از برخی صحابه نیز از اعتقادات جارودیه است.

زیدیه درباره تعداد و مصادیق امامان اختلاف بسیاری دارند. این اختلاف از سده‌های نخستین بوده و حتی عالمان زیدی در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، هنگام شمارش امامانشان به چندین فهرست متفاوت برای امامان خود اشاره کرده‌اند که این، نشان دهنده اختلاف دیدگاه‌هایشان در امام دانستن یک فرد است. جریان غالب زیدیه، امامت چند امام نخست امامیه را می‌پذیرد. تعداد امامان نزد زیدیه هیچ محدودیتی ندارد و سلسله امامان در آن‌ها هنوز ادامه دارد (فرجامی، ۱۳۹۳: ص ۳۲).

زیدیان به مهدویت یا غیبت زید بن علی قائل نبودند؛ اما جارودیان اعتقاد داشتند نفس زکیه و برخی دیگر از رهبران قیام‌ها، مثل محمد بن قاسم صاحب طالقان زنده هستند و باز خواهند گشت (ابن حزم، ۱۴۱۶: ص ۱۱۲). به نظر می‌رسد کشته شدن پیایی رهبران قیام‌ها و نیز آشنایی با اندیشه مهدویت در جریان‌های پیشین، مانند کیسانیه، بسیاری از زیدیان شورشی را به مفهوم مهدی و بازگشت او معتقد ساخت (فرجامی، ۱۳۹۳: ص ۴۵۴).



مهدی دانستن نفس زکیه با مفاهیم مشابه بسیاری ارتباط یافت. امام قائمی که مهدی موعود است و جهان را از عدل پر می‌کند و با کشته شدنش امید بازگشت او می‌رود و نیز باور انتظار و رجعت مردگان به دنیا، همگی از لوازم باور مهدویت بود که جارودیان بدان اعتقاد داشتند (فرجامی، ۱۳۹۳: ص ۴۶).

امروزه زیدیان به امام غایب و ظهور مهدی باور ندارند. آنان منتظر شخص خاصی نیستند و در هر عصری امام معاصرشان را مهدی می‌پندارند.

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، در میان زیدیه، تنها احمد بن محمد بن سعید به عنوان ناقل روایات مربوط به نشانه‌ها شناخته می‌شود. با این حال، در بررسی مهم‌ترین منابع حدیثی زیدیه، اثری از گزارش‌های مرتبط با نشانه‌ها دیده نمی‌شود. با مروری اجمالی بر میراث حدیثی و کلامی زیدیه، روایات اندکی درباره موضوع مهدویت ذکر شده که در هیچ‌یک از آن‌ها به بحث نشانه‌های ظهور پرداخته نشده است.

از میان روایات مرتبط با مهدویت، یک روایت نقل شده از ابی‌ذر به عنوان شبیه‌ترین و برجسته‌ترین روایت در این زمینه شناخته می‌شود:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَهَوَى، وَمَنْ قَاتَلَنَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَكَأَنَّمَا قَاتَلَ مَعَ الدَّجَالِ؛ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِمْ مَانِدٌ كَشْتَى نُوحٍ اسْت؛ هِر كِه بر آن سوار شود، نجات یابد، و هر كه از آن بازماند غرق شده و هلاك گردد، و هر كه در آخرالزمان عليه ما بجنگد، گویی با دجال جنگیده است (مرشد بالله، ۱۴۲۲: ص ۱۹۹).

در این روایت و در سایر میراث زیدی، از دجال سخنی به میان نیامده است. هارونی (م ۴۲۴) در تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب، بدین گونه نقل کرده است:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَهَوَى؛ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ در میان شما مانند کشتی نوح است؛ هر كس بر آن سوار شود، نجات می‌یابد و هر كس از آن بازماند، غرق و هلاك می‌شود (هارونی، ۱۴۲۲: ص ۲۰۰).

کتاب «الدعامة الى الامامة»، تألیف محمد بن هارون هارونی، از مهم‌ترین تألیفات زیدیه،



بخش مهمی را به ادله امامت امام علی علیه السلام و روایات دلالت کننده بر افضلیت ایشان اختصاص داده است (هارونی، ۱۴۲۲: ص ۸۵ و ۱۰۵). سپس مؤلف به مقامات امام، از جمله وجوب نیاز مردم به امام در امور شرعی، اوصاف امام و مسائل مربوط می‌پردازد (هارونی، ۱۴۲۲: ص ۱۱۴-۱۴۹) و در پایان، به امامت زید و پیروان آن اشاره می‌کند (هارونی، ۱۴۲۲: ص ۱۵۱-۱۶۱). البته وی در این کتاب، برخی از عقاید امامیه، مانند عصمت، نص جلی، اعجاز غیر نبی و نیز موضوعاتی همچون عدم باور به امامت زید بن علی از سوی امامیان را به چالش کشیده است. با این وصف، وی در موضوع مهدویت سخنی نگفته است.

در منابع قرون میانی که میراث زیدیه شکل منظم‌تری به خود گرفته است، همچون کتاب العقد الثمین، بابی به احادیث مرتبط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص داده شده است. در این منبع، با استناد به روایاتی از منابع اهل سنت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل حضرت زهرا علیها السلام معرفی شده‌اند. همچنین بیان شده است که ایشان از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام و همنام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و دوران حکومت ایشان در دنیا بین ۷ تا ۹ سال به طول خواهد انجامید (منصور بالله، ۱۴۲۱: ص ۱۲۷). نویسنده این اثر با استناد به روایات متعدد از کتاب الغیبة نعمانی، این روایات را متناقض دانسته و به نقد آن‌ها پرداخته است (منصور بالله، ۱۴۲۱: ص ۲۲۶). این اثر که با تأکید فراوان نسبت به سایر آثار، به روایات مهدویت پرداخته است، به نشانه‌های ظهور اشاره ندارد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت برای زیدیه، در طول تاریخ، مسئله اصل امام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. با توجه به این‌که آموزه قیام در هر دوره‌ای از اعتقادات بنیادین زیدی‌ها به شمار می‌رود، آنان منتظر ظهور و وجود نشانه‌های ظهور نبوده‌اند. همچنین، در این زمینه هیچ تلاشی برای نقل یا حتی جعل و ساخت روایاتی مبتنی بر نشانه‌های ظهور صورت نگرفته است. از این رو، نمی‌توان ادعا کرد که عقاید فرقه‌ای به جعل یا ساخت روایات و نفوذ آن‌ها به میراث شیعی منجر شده باشد. اساساً زیدیه با مفاهیمی همچون غیبت، ائمه اثنا عشر، انتظار و نشانه‌های ظهور ارتباطی ندارند. آنچه در آثار زیدیه، چه از منظر حدیثی و چه کلامی، برجسته است؛ مباحث اصیل امامت، نظیر جانشینی و ویژگی‌های امامان است. زیدیه در مقطعی از تاریخ، بر سر مسائلی همچون غیبت و تعداد ائمه با امامیه به نزاع پرداختند و حتی امامیه را به

دلیل عدم قیام در برابر ظلم مورد سرزنش قرار دادند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۶۳). بنابراین، با از بین رفتن انگیزه‌های جعل روایات مرتبط با سفیانی، احتمال وقوع تصحیف و تحریف‌های لفظی و معنایی از جانب زیدی‌ها نیز منتفی خواهد شد.

۸-۶. نقش باور راوی در نقل روایات

نکته اساسی و درخور تأملی که در ادامه تحلیل‌ها باید به آن پرداخت، بررسی نقش و باور راوی نسبت به محتوای روایات منقول خویش است؛ به این معنا که آیا صرف قرار گرفتن راوی منتسب به یک فرقه در سلسله اسناد روایات، حاکی از اعتقاد وی به مضمون آن روایات است، یا او صرفاً نقش ناقلی بی‌غرض را اجرا کرده است. در فرض نخست، چنان‌که روایات بیانگر معتقدات راوی باشند، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که محتوای آن‌ها بازتاب‌دهنده آموزه‌های مشترک میان فرقه‌ها و جریان‌های مختلف است؛ به‌ویژه اگر انگیزه‌ای برای جعل یا افزودن در روایات وجود نداشته باشد. اما در فرض دوم، یعنی اگر راوی صرفاً ناقل میراثی باشد که لزوماً بدان باور ندارد؛ آن آموزه عمدتاً به امامیه ارتباط پیدا می‌کند.

نقل روایات ابن عقده از جریان‌های مختلف شیعی و غیرشیعی، نشان دهنده رویکردی سازش‌پذیر و فراگیر است که اهتمام اصلی‌اش بر حفظ و نشر میراث پیشینیان متمرکز بوده است؛ به‌ویژه بر پایه آثارش، بی‌تردید او از محبان امام علی و خاندان اهل بیت علیهم‌السلام به‌شمار می‌رود؛ چرا که اخبار فراوانی در فضایل اهل بیت نقل کرده است. از این‌رو، باید گفت منقولات وی چه در نشانه‌های ظهور و چه در سایر روایات، الزاماً نشان دهنده باور شخصی او نیست و باید میان آنچه نقل کرده است و باورهای زیدی‌اش تفکیک قائل شد. با آن‌که او خود زیدی مذهب است، در کتاب‌هایی چون الغیبه نعمانی (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۹۷-۹۹) و کفایه‌الاثر (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۳۳، ۳۸، ۴۴)؛ روایات ائمه اثنا عشر را گزارش کرده است. بنابراین، احمد بن محمد بن سعید به سبب علاقه‌ای ویژه که به انتشار احادیث فریقین داشته، به نقل و انتقال آن‌ها پرداخته است و نمی‌توان گفت که نقل روایات وی برخاسته از دیدگاه فرقه‌گرایانه بوده است.



نتیجه گیری

در میان انبوه منابع حدیثی امامیه، روایات مربوط به نشانه‌های ظهور از جایگاهی ویژه و ممتاز برخوردارند؛ چرا که این روایات نه تنها افق‌های آینده‌پژوهی دینی را روشن می‌سازند، بلکه پیوندی عمیق با باورهای مهدوی و انتظار موعود دارند. این دسته از روایات، هم از طریق راویان امامی و هم غیرامامی، به جوامع حدیثی امامیه راه یافته‌اند. در میان این راویان، چهره‌هایی از فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی نیز دیده می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، «فرقه زیدیه» است.

هرچند راویان زیدی در گستره روایات مهدوی و غیرمهدوی حضور دارند؛ در حوزه ویژه نشانه‌های ظهور، تنها نامی که از میان ایشان به چشم می‌خورد، احمد بن محمد بن سعید، محدث موثق قرن چهارم است. تنها روایات او در این زمینه، در کتاب «الغیبه» نعمانی ثبت شده است. بررسی اسناد روایی این راوی در کتاب مذکور نشان می‌دهد که گزارش‌های او یا از راویانی موثق و معتبر نقل شده و یا از افرادی است که امروزه برای ما ناشناس باقی مانده‌اند.

از سوی دیگر، با مقایسه میراث حدیثی ابن عقده در کتاب الغیبه و سایر آثار روایی، روشن می‌شود که طریق نقل او در «الغیبه نعمانی» با دیگر منابع تفاوتی چشمگیر دارد؛ تفاوتی که نه تنها در روایات او، بلکه در کل ساختار روایی کتاب الغیبه قابل پیگیری و تأمل است.

مضمون روایات منقول از احمد بن محمد بن سعید، عمدتاً بر پنج نشانه ظهور متمرکز است که امروزه با عنوان «نشانه‌های حتمی» شهرت یافته‌اند؛ اما در کنار این‌ها، روایات دیگری نیز از نشانه‌های غیرمشهور در آثار او به چشم می‌خورند که هرچند کم‌تر بدان‌ها پرداخته شده است؛ از نظر محتوایی، با روایات راویان امامی همخوانی کامل دارند و در اصل نشانه‌ها، نه تعارضی دیده می‌شود و نه تنافی.

این هماهنگی محتوایی در نقشی ریشه دارد که ابن عقده در سلسله نقل روایات ایفا کرده است. او حلقه واسط انتقال میراث حدیثی گذشتگان به دوران پس از خود بوده و باورهای زیدی او در دخل و تصرف محتوای این میراث تأثیری نداشته است. افزون بر این، چنان‌که به تفصیل اشاره شد، آموزه‌های زیدیه هرچند در آغاز شکل‌گیری خود با مسئله مهدویت عجین بوده؛ در سیر تطور خود، به‌گونه‌ای پیش رفته که نشانه‌های ظهور در اندیشه ایشان جایگاه



چندانی نیافته است. از این رو، انگیزه چندانی برای جعل یا تحریف در این روایات وجود نداشته است. این امر، اعتبار محتوایی روایات یاد شده را در چارچوب منابع امامیه، بیش از پیش تقویت می‌کند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۱۶ق). **الفصل فی الملل و الأهواء و النحل**، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲. ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۶ق). **مقاتل الطالبین**، قم، الشریف الرضی.
۳. أبوغالب زراری، احمد بن محمد (۱۳۶۹). **رسالة أبي غالب الزراري**، مصحح: حسینی، محمدرضا، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامية.
۴. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ق). **مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین**، مصحح: ریتز، هلموت، بیروت، دار النشر.
۵. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۹). **رایات سود**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۰). **تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور**، قم، مؤسسه آینده روشن.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). **المحاسن**، قم، دار الکتب الإسلامية.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۸۰). **مدخل امامیه**، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹. حسینی، بی بی زینب و همکاران (تابستان ۱۳۹۷). «**تحلیل تاریخی روایات علائم ظهور**»، مجله مشرق موعود، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۶.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الاسناد**، قم، مؤسسة آل البيت (ع).^۱
۱۱. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). **کفایه الاثر**، مصحح: حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
۱۲. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۸). **بررسی تحلیلی روایات نشانه‌های ظهور**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. شبیری رنجانی، محمدجواد (۱۴۱۹ق). **الکاتب نعمانی و کتابه الغیبه**، تهران، پژوهشگاه قرآن و حدیث.

۱۴. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵). **تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵). **کمال‌الدین و تمام النعمة**، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۶. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**، محقق: علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۸). **عیون اخبار الرضا**، محقق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۱۸. صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۵). **علل الشرایع**، قم، کتاب فروشی داوری.
۱۹. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲). **الخصال**، محقق: علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۳ق). **معانی الأخبار**، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۸ق). **توحید**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۱). **رجال**، نجف، انتشارات حیدریه.
۲۳. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). **الفهرست**، نجف، المكتبة المرتضوية.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق). **الغیبه**، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. فرجانی، اعظم (۱۳۹۳). **زبیدی و حدیث امامیه**، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۷. فقهی زاده، عبدالهادی و صادقی، سیدجعفر (بهار ۱۳۹۳). «**نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی**»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۲۹.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). **تفسیر قمی**، مصحح: موسوی جزایری، قم، دارالکتب.



۲۹. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الأمالی (للمفید)*، محقق: استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، محقق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۳. منصور بالله، عبدالله بن حمزه بن سلمان (۱۴۲۱ق). *العقد الثمین*، محقق: عبدالسلام بن عباس، صنعا، مؤسسه الامام زید بن علی.
۳۴. موسوی نیا، سعیده سادات؛ طباطبایی، سیدکاظم و جلالی، مهدی (بهار ۱۳۹۸). «*بررسی نشانه های ظهور با تأکید بر فرقه واقفه*»، مجله مشرق موعود، دوره ۱۳، شماره ۴۹.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *رجال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدق.
۳۷. نوبختی، حسین بن موسی (بی تا). *فرق الشیعه*، بیروت، در الاضواء.
۳۸. هارونی، یحیی بن حسین (۱۴۳۹ق). *الدعاه الی الامامه*، محقق: ابراهیم یحیی عبدالله الدرسی، یمن، مرکز تحقیقاتی امام منصور بالله.
۳۹. هارونی، یحیی بن حسین (۱۴۲۲ق). *تیسیر المطالب*، تحقیق: عبدالله بن حمد العزی، صنعا، مکتبه امام زید بن علی.
۴۰. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق). *کتاب سلیم بن قیس*، قم، الهادی.
۴۱. یحیی بن حسین، مرشد بالله (۱۴۲۲ق). *الامالی الخمیسیه*، محقق: محمد حسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیه.